



۱۸ آگست، ۲۰۲۲

ملالی موسی نظام

استقلال افغانستان، عصر مترقی و نهضت زن افغان



شاه امان الله غازی، در جوار بیرق مقدس افغانستان آزاد و سربلند

در آستانه صد و سومین سالگرد استرداد استقلال افغانستان عزیز درود و دعا بر روح پر فتوح آن جانبازان وطن و حامیان وطنپرست شان، اعلیحضرت غازی شاه امان الله و علیا حضرت ملکه ثریا میفرستیم که جوهر آزادی و نهضت زنان سرزمین خویش را تقدیم نسل های بعدی و خلف خود ها نمودند. درین برهه مهم تاریخ وطن که مملکت به جویی از خون و طوفانی از عدم قانونیت، انارشیزم طالبی، عقبگرایی جاهلانه و وضع قیود غیر اسلامی و غیر بشری بر نیمی از نفوس کشور که طبقه بیگناه نسوان افغانستان باشد، مبدل شده و رفاه و آسایشی که ملت مظلوم نسل هاست چشم براه آن دارد، کاملاً کمرنگ و از باور به دور قرار گرفته است. دردا که نهضت زن افغان و حقوق حقه آن

بینوایان که ارمغان شاه و ملکه مدبر آن در چنان عصر طلایی باشد، هم لگد مال جهل و تاریکی گردید! باشد که نسیم واقعی صلح و مدنیت در یک اجتماع سالم و عدالت اجتماعی را روحیه آزادی برای ملت مظلوم افغان به ارمغان آورد. آمین!

اعلام مدیرانه حریت افغانستان عزیز توسط اعلیحضرت «غازی شاه امان الله» با عزم راسخ آزادی خواهی، استقلال داخلی و خارجی مملکت بعد از کنفرانس سمله در ۱۸ آگست سال ۱۹۱۹ میلادی، درحالی صورت گرفت که بیشمار ممالک جهان در تحت سلطه قدرت امپراطوری برتانیای کبیر و یوغ استعمار آن قرار داشتند. این حرکت ملی، افغانستان را نه تنها در جهان وقار و حیثیت استثنائی بخشید بلکه در بین همسایگان و ممالکی که استعمار حاکمیت ملی شانرا پامال نموده بود، انگیزه ای برای ایجاد جنبش های آزادی خواهی گردید. افغانستان آزاد و غیر منسلک و ملت شریف آن، تا وقوع کودتای منحوس ثور و هجوم عسکر سرخ، از نعمت والای آزاده گی هر سال از جشن استقلال خویش با شادی و غرور و آزادگی استقبال مینمود.

حال مختصری بر اوضاع سیاسی و اجتماعی افغانستان در حوالی قبل از اقدام و مبارزه برای بدست آوردن استقلال کامل سرزمین ما نظر می اندازیم:

بعد از تحمیل و امضای معاهده گندمک در عصر امیر محمد یعقوب خان در ۲۸ می ۱۸۷۹ شرایط جدیدی در احوال افغانستان و مناسبات با انگلیس ها که بر هند برتانوی تسلط داشتند، پیش آمد که همانا قبولی سفیر انگلیس در دربار امیر افغانستان بود و مهمتر از آن هر ارتباط دولت افغانستان با خارج باید از طریق مشوره با سفیر مذکور صورت می گرفت و انگلیس ها یک مستمری سالانه به دولت میپرداختند. با اینکه دولت برتانیه سر لویی کیوناری را برای اوامر و تصمیم گیری ها مقرر نمودند ولی اغتشاشات بر علیه انگلیس ها پایان نیافت که در اثر آن کیوناری به قتل رسید و امیر محمد یعقوب خان هم با کناره گیری به هند تبعید میگردد.

با پذیرفتن امیر عبدالرحمن خان در سال ۱۸۸۰ میلادی که در تبعید بخارا بسر میبرد و با تجارب تلخ خود، انگلیس ها دیگر سفیری به کابل ارسال نداشتند و برای ۳۹ سال در حالیکه امور خارجی افغانستان تحت نظارت آنان صورت میگرفت، در امور داخلی مداخله نمی نمودند. این درحالیست که انگلیس ها شکست سختی در جنگ میوند خورده و عساکر خود را از افغانستان بیرون می نمایند. بدین قرار تا ۸ آگست ۱۹۱۹ افغانستان در یک حالت نوعی تحت الحمایگی قرار داشت؛ درحالیکه در جنگ های اول و دوم، انگلیس ها کاملاً به شکست مواجه گردیدند. همان بود که با قدرتمندی امیر امان الله خان که در سال ۱۹۱۹ بعد از فوت پدر زمام امور را بدست گرفت اولین اقدام وی

حصول استقلال داخلی و خارجی مملکتش از حیطة اولیای امور هند برتانوی و دولت مستعمراتی انگلستان بود.

بنابر آن این شاه جوان و متهور در اولین فرصت بعد از اعلام سلطنت به مردم افغانستان وعده استقلال و آزادی کامل افغانستان عزیز را داد و با تجلیل از روحیه والای آزادی، طور نمونه به مطالعه یکی از بیانات این رهبر وطن پرست که خطاب به مردم کابل است، در زمینه آمادگی برای کسب استقلال و تشویق هموطنان، می پردازیم:

(اولتر از همه به رعایای صدیق ملت نجیبه خود این اعلان را بشارت میدهم که من تاج سلطنت افغانیه را بنام استقلال و حاکمیت داخلی و خارجی افغانستان بسر نهاده ام. ملت عزیز من! من این لباس سربازی را از تن بیرون نمیکنم تا که لباس استقلال را برای وطنم تهیه ننمایم. من این شمشیر را در غلاف نمی کنم تا غاصبان حقوق ملت را به جای شان ننشانم. ای ملت عزیز و ای سربازان فداکار من، بیاید تا که سر های پر غیرت خود را برای نجات وطن فدا سازیم).

به تاریخ ۱۳ اپریل سال ۱۹۱۹ قبل از اعلام رسمی استقلال افغانستان به تاریخ ۱۸ آگست، اعلیحضرت بازم حضور ملت ایراد فرمودند: (من خودم و مملکت را از لحاظ داخلی و خارجی کاملاً آزاد و مستقل اعلام نمودم، بعد ازین، کشور ما مانند سائر دول و قدرت های جهان، آزاد است و به هیچ قدرتی به اندازه یک سر موی اجاز داده نمیشود که در امور داخلی و خارجی افغانستان مداخله نمایند و اگر کسی به چنین امری اقدام نماید، گردنش را با این شمشیر خواهم زد) و سپس از «نجف علی» سفیر انگلیس که در مجلس حضور داشت پرسیدند: « آنچه گفتیم فهمیدی؟» سفیر جواب داد که: «بلی صاحب».

In Commemoration of 100 Years of Independence

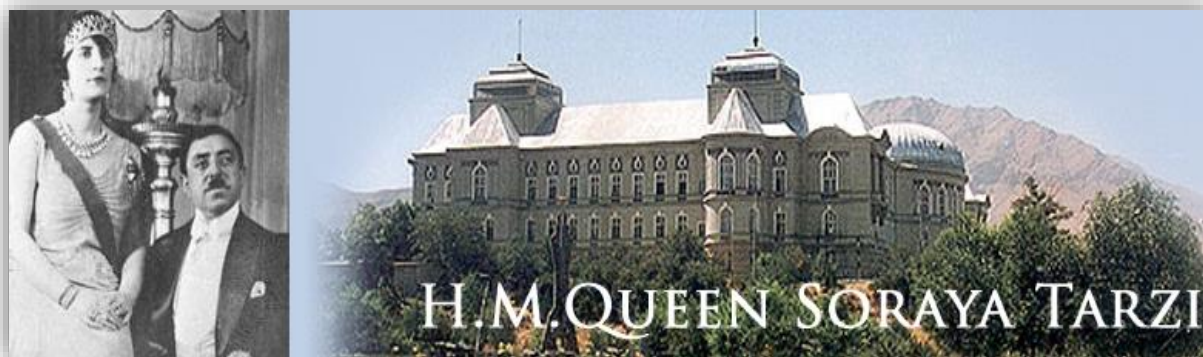


*Afghanistan Arch of Triumph, Built in 1919
Courtesy of Window of Peace 2019*

تابلوی منظره زیبای طاق ظفر پغمان، مظهر استقلال افغانستان عزیز، اثر دانشمند خبره، آقای حامد نوید که به مناسبت صدمین سال استرداد استقلال کشور طراحی گردیده است.

بعد از صد و سه سال اعلیحضرت غازی در ۱۰ سال آنچه را اساس گذاشت، زیربنای صنایع و انکشاف تخنیک عصری بوده است که مورد استفاده دهه های بعدی گردید. با اینکه در حدود ۵۰ سال بعد از سقوط دولت امانی ملت افغان متأسفانه همواره از حقایق مبرهن آن عصر مترقی در بیخبری قرار گرفت و نه دانست که چه نو آوری های اجتماعی، تخنیکی و اصلاحی استوار بر دیموکراسی، در عرصه ۱۰ سال سلطنت یک شاه ترقیخواه صورت گرفت و در مورد حقوق مدنی، حقوق زنان و مردان چه تغییراتی به عمل آمد و از همه مهمتر حتی از تفصیل و نحوه مبارزه آزادی خواهی آن رهبر واقعی تاریخ برای ملت افغان چیزی بیان نمی گردید و از قانون اساسی ۱۹۲۳ و مواد مترقی آن هم محصلین حقوق خبری نداشتند. با آنهم تاریخ را نمیتوان حذف و نابود نمود. یکی از نو آوری های براننده این عصر مترقی همانا نهضت زن افغان عصر مترقی امانی بود که بیشتر به تشویق شاه جوان و فعالیت و باورمندی ملکه با کفایت و مدبر وی صورت گرفت. ثریا طرزی و شاه امان الله باهمدیگر برای انکشاف مملکت کار میکردند و در سال ۱۹۲۶، شاه اعلام نمود:

"من پادشاه شما هستم، ولی وزیر معارف شما همسرم میباشد، ملکه شما." این دو شخصیت، برای بهبود احوال زنان، مبارزات بر علیه چادری و تعدد زوجات را براه انداخته و خود نیز درین زمینه پیشقدم گردیدند، چنانچه ملکه ثریا در جمیعت چادری را دور انداخته و کلاهی که چادر به آن متصل بود، به سر گذاشت پیشقدم گردیدند، چنانچه ملکه ثریا در جمیعت چادری را دور انداخته و کلاهی که چادر به آن متصل بود، به سر گذاشت.



تصویری از شاه و ملکه در جوار قصر باشکوه دارالامان، مظهر عصر مترقی و شگوفان امانی

در پهلوی انکشافات مترقی در راه تعلیم و تربیه و حقوق زنان، ملکه ثریا بنیاد اولین مکتب دخترانه را گذاشت و به همکاری مادرش، اولین مجلهٔ زنانه را که به نام «ارشادالنسوان» یا رهنمای زنان معروف است، منتشر نمود. ملکه ثریا اعلام نمود که "چون آزادی متعلق به همه مردم ماست، بنابراین برآن زنان هم باید در آن سهم بگیرند."

یک موج دوم ترقی و نهضت زنان در افغانستان پنجاه سال بعد از ملکه ثریا نظریات وی را منعکس نمود، طوریکه در دههٔ ۷۰ میلادی یک بار دیگر نهضت تعلیم و توانمندی زنان در امور سیاسی در عصر شگوفایی دیموکراسی رونما گردید که آنهم خواب خوشی بود که فنا گردید.

ملکه ثریا از سال ۱۹۱۹ تا ۱۹۲۹ میرمن اول و ملکهٔ رسمی افغانستان بوده و افتخار بزرگ رفع حجاب در افغانستان اصلاً به وی متعلق میباشد. او به نقش زنان در امور مختلفهٔ اجتماعی منجمله معارف، صحیه و مطبوعات برای روشنی افکار مترقی معتقد بود و در این راستا تلاش های فراوانی انجام داد. رسالهٔ «زن اسلام» را نوشت. در تأسیس اولین مجلهٔ زنان «ارشاد النسوان» نقش اساسی داشت؛ نهضت زنان افغان برای اولین بار ذریعهٔ این میرمن آزاده و منور در کشور با جدیت آغاز گردید.

بدون تردید تغییرات سودمند نهضت زنان افغانستان که در آن «ملکه ثریا»، فامیل و مادر گرامی و فاضل وی «اسماء رسمیه» همسر علامه «محمود طرزی» پدر نو آوری های مترقی و ژورنالیزم در افغانستان، نقش ارزنده ای داشتند، مانند بسیاری از ترقیات آن عصر، باعث رشك و تقلید ممالک همجوار گردیدند. در این مبارزهٔ برحق، برای اینکه فامیل ها و زنان پایتخت هم سهم داشته باشند، ابتدا زنان و دختران فامیل شاهی و اکثر میرمن های منور فامیل سراجیه در امور معارف، مطبوعات، صحیه و مسائل حقوق زنان پیشکام و فعال گردیدند. مادر ملکه ثریا، همسر مرحوم محمد طرزی، خانم «اسما رسمیه» که خود از سواد، فضل و دانش برخوردار بود، زنان فامیل را منحیث پیشگامان اجتماع زن افغان رهنمایی و هدایت مینمود تا امور معارف، صحیه را با توانایی کامل پیشبرده و در مسائل حقوقی زنان که خود اعلیحضرت امان الله خان سهم بارزی داشت، هرچه بیشتر فعالیت نمایند.

در نو آوری های آن عصر، مثل تأسیس مکتب، شفاخانه مستورات، تدریس و تعلیم شاگردان و پیشبرد امور گوناگون مربوط به پیشرفت های فوق العادهٔ حیات زن افغان در ساحات مختلفه حتی ساحهٔ عدلی و قضایی، دقت و خدمات مستقیم زنان خانوادهٔ سلطنتی از هر جهت قابل افتخار و یاد آوری است. ناگفته نماند که کارداران دولتی هم با علاقمندی درین نهضت جهان زن از هیچ همکاری

دریغ نمی نمودند، چنانچه زنان و خواهران شان پا به پا با خانمهای فامیل شاهی مانند علیاحضرت «ملکه ثریا» و خانواده ایشان و تعداد زیادی از دختران و میرمن های «سراجیه»، هم در چنین خدمات ارزشمند و قابل ذکری شرکت مینمودند.

در پهلوی اقدام برارنده تحصیل استقلال افغانستان از دولت مستعمراتی برتانیه بعد از جنگ سوم افغان و انگلیس، نهضت مترقی زن افغان بدون شک تحفه ارزشمند دیگری بود که علیحضرت شاه امان الله و همسر با کفایت و منور وی ملکه ثریا تقدیم جامعه افغانستان نمودند و تا تاریخ بیاد دارد ازین اقدام نیک باید قدردانی نمود.

دوران کوتاه «۱۹۱۹-۱۹۲۹» سلطنت شاه دیموکرات، مترقی و معارف پرور، عصر شکوفائی وکسب امتیازات و حقوق فردی و آغاز نهضت واقعی آزادی و حقوق حقه زنان در ساحات مختلفه معارف، حقوق بشر، صحیه و حق ازدواج و امثالهم محسوب میگردد. تاریخ و ملت افغانستان هرگز فراموش نمی نماید که علی الرغم عصر مترقی پادشاهی علیحضرت «شاه امان الله غازی» که قسمتی از آن در حال مسافرت ها به منظور معرفی افغانستان آزاد، غیر منسلک و در حال رشد و شکوفائی سپری گردید و برخی هم به مبارزه بر علیه دسیسه سازی های خائنین وطنی و پلان های استعماری گذشت، این شاه و ملکه ترقی خواه و وطن پرست، بیشمار نو آوری ها و اصلاحات را نصیب ملت خویش و طبقه انات مملکت گردانیدند.

بعد از گذشت ۹۳ سال از آن عصر شکوفان و مترقی با اینکه افغانستان در مدت ۲۰ سال اخیر، در پهلوی بی امنیتی، فساد وسیع اداری، چور و چپاول ملیارد ها دالر باد آورده برای اعمار مجدد و انکشاف اقتصادی و مداخلات همسایگان غدار، بازهم نسل نوی را به معارف و ایجاد یک اجتماع نیمه ویران امیدوار می ساخت و در چنان شرائطی اقلأ در اقصی نقاط افغانستان باوجود ایجاد ترور و دهشت افگنی دایمی، خانواده ها دختران شانرا پایپای پسران به مکتب وسیله میگردیدند و زنان در اجتماعات مختلفه نظر به تقاضای محیط به کار و کمک به اقتصاد خانواده اشتغال داشتند.

ولی هیئات که درین یکسال موجودیت دولت مستبد، تبعیض طلب و لجام گسیخته طالبی، نه تنها اداره اجتماع داخلی وطن را با قیود عهد دقیانوس به زنجیر کشیده است، بلکه عدم وجود قانونیت، سقوط اقتصادی، قطع کمک های انکشافی خارجی و اختلافات فی مابین کدر اداری، ملت را به فقر، بیکاری، تنگدستی و زن و دختر افغان را ددمنشانه به زنجیر اسارت و تاریکی محکوم ساخته است.

پس می بینیم که ملت افغان خود با وجود امتحان شهامت، فداکاری، تلاش برای حفظ آزادی، ایمان به تمامیت ارضی، ترقی و تعالی ای که ضامن یک محیط امن برای فرزندان این خاک باشد، بعد از گذشت بیشتر از نه دهه که از عصر شگوفان مترقی ترین رهبر کشور شان شاه امان الله غازی و همسر ترقی خواه وی میگذرد، از تمدن و اعتلایی که آرزوی آن شخصیت های برگزیده ملی بود، کاملاً فاصله گرفته و به جانب تباهی و سیاهی فضای آینده کشور شان روان اند. هیهات!!

پایان